

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره دهم - دی ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۶

بررسی سبک‌شناسی غزلیات حسین پژمان بختیاری

(ص ۷۸-۵۷)

فرامرز محمدخانی^۲، مظاهر نیکخواه (نویسنده مسئول)^۳، حسین خسروی^۴

تاریخ دریافت مقاله: مهر ۹۷ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: اردیبهشت ۹۸

چکیده

حسین پژمان بختیاری از شاعران سنت‌گرای معاصر است که اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی را درک کرده است. وی بطور کامل قائل به تغییر در فرم و شکل و قالب شعر نبوده به همین خاطر از جهت قالب و موسیقی پیرو پیشینیان است. او مخلوطی از اصطلاحات کهن و نو را در شعر خود آورده است. از نظر زبانی سادگی و روانی کلام در غزلش موج میزند و از واژگان مهجور و متروک استفاده نکرده است. بیشتر از ردیفهای بلنداستفاده کرده است و تکرار قافیه در بیشتر اشعارش به چشم میخورد.

وی در ساختن ترکیبات نغز و تشبیهات زیبا، تواناست و عنصر تخیل در آثار او جایگاهی شایسته دارد برخی از ترکیبات که در شعر خود به کار بسته، عبارت است از: آهنین جگر، شاهمرد، تملق‌گر، شیرین بوی، عشق‌آور، شکر بوسه، ترور، ستمبر، یاوه‌درا، دورنشین، یاری‌گستر، کامور. از تشبیهات: گیسوی بلوطی رنگ، بلورین شانه، آسمانی جلوه... اشعار وی سرشار از مضامین نو و تعبیر بدیع است. هنر تصویرگری شاعر بیشتر استفاده از آرایه‌های بیانی، استعاره، تشبیه و کنایه است. این استفاده در حد متوسط و رایج است بطوری که کلام را پیچیده و معنا را غیر قابل دسترس نمیکند. این پژوهش برآنست تا ویژگیهای سبکی غزلیات شاعر را در سه سطح زبانی، فکری و ادبی بر مبنای آمارهای دقیق تحلیل کند.

کلمات کلیدی: پژمان بختیاری، سبک‌شناسی شعر، سطح زبانی، سطح فکری، سطح ادبی

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (fmohammadkhani@iaushk.ac.ir)

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (mnikkhah@iaushk.ac.ir)

۴- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (hkhosravi@iaushk.ac.ir)

Stylistic review of Hossein pejman bakhtiari's sonnets

Faramarz Mohammad Khani^۱, Mazaher Nik-khah^۲ (Corresponding Author), Hossein Khosravi^۳

Abstract

Hossein Pejman Bakhtiari is a contemporary traditional poet who understood late Qajar period and Pahlavi era and was not fully aware of the changes in the form and shape of poetry, due to the form and the music of the predecessors. He brings a mixture of old and new terms into his poetry. From the linguistic point of view, the simplicity and psychic of the word is sparkling in his ghazale, and he does not use abusive and desolate vocabulary. He used the longest rows and repeated rhymes in most of his poems.

He is capable of making beautiful compositions and elegance, and the element of imagination in his works has a competent place. Some of the compositions used in his poetry are: Iron courage, king Man, flattering, Sweet smell, Loving, Sugar Kisses, assassins, oppressors, gasbag(living away, help spreading, kamoor. From similes: oak hide, colorful shoulder, skyscraper... Poems are full of fresh themes and expressions. The poet's art of illustrating is the use of expression arrays, metaphors, similes and metaphores. This use is modest and common, so that the word is complicated and does not act as unacceptable. The present study aims to analyze the poetic style of poetry's ghazals in three levels of linguistic, intellectual and literary based on accurate statistics.

Keywords: Pezhman Bakhtiari, poetry genomics, language level, level of thought, literary level

^۱ - PhD Student of persian litrature in Islamic Azad arts college , Shahr-e-Kurd branch, Islamic Azad University, Shahr-e-Kurd, Iran. (faramarz ۲۰۷۷@gmail.com)

^۲ - Litrature assistant professor, liberal arts college, Shahr-e-Kurd branch, Islamic Azad University, Shahr-e-Kurd, Iran (Mazaher nikkhah@gmail.com)

^۳ - Litrature associated professor, liberal arts college, Shahr-e-Kurd branch, Islamic Azad University, Shahr-e-Kurd, Iran. (h-khosravi۲۳۲۷@yahoo.com)

مقدمه

حسین بختیاری، متخلص به پژمان، در سال ۱۲۹۷ خورشیدی در تهران زاده شد. پدرش علیمرادخان میرپنج از سرکردگان و خوانین معروف بختیاری است. که در زمان مظفرالدین شاه به درجه میرپنجی مفتخر شد. (مقدمه دیوان اشعار، پژمان بختیاری: ۱۷) «مادرش عالمتاج، از شاعران نامدار اواخر قاجاریه و از سلسله شریف سادات بوده که شعر نیکو میگفت و ژاله تخلص میکرد». (جویبار لحظه‌ها، یاحقی: ۱۸۵) ازدواج ناهماهنگ پدر و مادرش سبب میشود که دوران کودکی سختی داشته باشد، چنانکه خود درباره ازدواج نامناسب آنان میگوید: «مادرم در آغاز جوانی بود و پدرم در پایان جوانی، مادرم اهل شعر و بحث و کتاب بود و پدرم مرد جنگ و جدال و کشمکش» (دیوان ژاله قائم مقامی، مقدمه پژمان بختیاری: ۹) همین اختلافات عمیق سبب جدایی پدر و مادر شد. پژمان تا سه سالگی در کنار سختگیرهای پدر روزگار بدی را گذراند. تا اینکه نامادری و خواهرش و سی چهل سوار بختیاری که از وابستگان پدرش بودند، به تهران آمدند. و پژمان را با خود به مسافرت مشهد بردند. پس از بازگشت از مشهد، پدرش به آذربایجان رفته و سفارش کرده بود که به زادگاهش «دشتک بختیاری» بروند. اینگونه شد که پژمان برای مدت دو سال از تهران دور شد.

وی پس از چند سال اقامت در دشتک، به تهران باز میگردد. ابتدا در مدرسه اشرف و سپس در مدرسه فرانسیسوی سن لویی به تحصیل خود ادامه میدهد. نیمایوشیچ در این مدرسه با او هم‌دوره و همدرس بود. با وجودی که علیمرادخان به لحاظ عاطفی توجه چندانی به پسر نداشت، اما نسبت به تحصیل او سختگیر بود و تمام همت خود را در این راه مصروف داشت به گونه‌ای که به هنگام مرگ تمام ثروت خود را در اختیار سردار اسعد بختیاری نهاد و سرپرستی پژمان را به او واگذار کرد مشروط بر آنکه پژمان را برای ادامه تحصیل به اروپا بفرستد، اما سردار اسعد در این باره سهل انگاری کرد.

پژمان علاوه بر تحصیلات ادبی، فن تلگراف بی‌سیم را نیز آموخت. به همین خاطر در وزارت پست و تلگراف مشغول به کار شد وی پس از فراغت از تحصیل به مدت دو سال در محضر بدیع الزمان فروزانفر کسب فیض کرد و سپس در انجمن ادبی نظامی به مدیریت وحید دستگردی راه یافت و از راهنماییهای ایشان بهره برد به گونه‌ای که خود به کمال معنوی رسید. او در دیماه سال ۱۳۳۷ پس از سی و یک سال کار در وزارت پست از آنجا بازنشسته شد. «شواهد نشان میدهد که او از مقام و جایگاه فنی و تخصصی و علمی شایسته‌ای برخوردار بود و علت حضورش در آن وزارتخانه آشنایی و مهارتش بر زبان فرانسه و نیز کاردانی و لیاقتی است که از خود نشان داده است». (مشاهیر ادب معاصر ایران، میرانصاری: ص ۵۳) وی با مشاهیر مشهور معاصر ادب فارسی، محمدتقی بهار (۱۳۳۰-

۱۲۶۵ خورشیدی)، ایرج میرزا (۱۳۰۴ - ۱۲۵۳)، فروزانفر (۱۲۷۶ - ۱۳۴۹)، همایی (۱۳۵۹-۱۲۷۸)، معیری (۱۲۸۸-۱۳۴۷)، شهریار (۱۲۸۵-۱۳۶۷) و مهدی سهیلی (۱۳۰۳-۱۳۶۶) همنشینی و معاشرت داشت. او در واپسین سالهای عمر خویش در برنامه‌های شعر و موسیقی رادیو و تلویزیون ملی ایران نظارت داشت و از این طریق خدمات ارزنده‌ای به فرهنگ ایران کرد. پژمان در دوران پایانی عمر خویش، به بیماری سرطان مبتلا شد و پس از سالها درد و رنج و ناکامی و تنهایی در سوم آذر ۱۳۵۳ در سن ۷۴ سالگی در تهران درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

شعر پژمان همچون برخی شاعران دارای غث و سمین و نقاط ضعف و قوت فراوانی است. او با مناعت طبع و توانمندی بر دقایق و ظرایف شعر فارسی از بلندپروازی پرهیز مینمود و افراد متکبر را مورد انتقاد قرار میداد.

پیشینه تحقیق

۱- بیان و بدیع در غزلیات پژمان پایان‌نامه کارشناسی ارشد (۱۳۹۰) دانشگاه علامه طباطبایی از محمد باقری پالنگان، نویسنده به بررسی کنایه، تشبیه و استعاره و از منظر بدیعی به سجع، جناس، تضاد و مراعات نظیر در غزلیات پژمان پرداخته است. ۲- تاثیر پذیری حسین پژمان از غزلیات سعدی پایان‌نامه ارشد دانشگاه رازی (۱۳۹۳)، قدرت‌اله علیخانی اشاره نمود. همچنین مقاله: ۱- پیوند تاریخ و ادبیات در کویر اندیشه پژمان، قاسم فتاحی (۱۳۹۴) فصلنامه نقد کتاب، به معرفی تحولات و اشعار تاریخی پژمان پرداخته است. ۲- هویت ملی در شعر پژمان، حسین گودرزی (۱۳۸۳) که مجله مطالعات ملی آن را چاپ رسانده است، با تبیین عناصر و ابعاد هویت ملی به عنوان یکی از اشکال هویت جمعی، تعلق خاطر پژمان به عناصر هویت ملی را با تحلیل محتوای مجموعه شعر «کویر اندیشه» او نشان داده است. ۳- موسیقی و تخیل در شعر پژمان، مریم مشرف (۱۳۸۴) فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی چاپ گردیده که عنصر موسیقی و تخیل را در دیوان اشعار وی تبیین و تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده که از میان عوامل اصلی شعر، یعنی زبان، موسیقی و تخیل در آثار این شاعر، موسیقی برتری چشمگیری دارد. ۵- نگاهی به زندگی و سبک شعر حسین پژمان، نسرين داودنیا و محمد نوروزی، کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات (۱۳۹۵) نویسندگان به بررسی زندگی و احوال شخصی پژمان پرداخته‌اند و در ادامه به ویژگیهای شعر دوره بیداری از قبیله آزادی، قانون، وطن پرداخته و برخی از مسائل سیاسی و اجتماعی در دیوان شعر پژمان را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین آقای عباس قنبری عدیوی در مقاله‌ای کوتاه تحت عنوان «سبک‌شناسی شعر پژمان» (۱۳۸۴) به بررسی شعر او پرداخته، که مقاله مذکور محتوای سبک‌شناسی ندارد لذا ضرورت انجام تحقیقی در این زمینه در جهت شناخت ویژگیهای سبکی این شاعر وجود دارد.

ویژگیهای زبانی

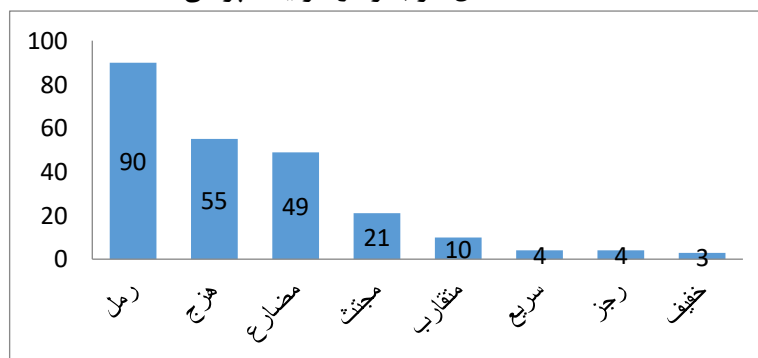
۱- سطح آوایی

۱-۱- موسیقی بیرونی: مشخص‌ترین جنبه موسیقی شعر، عروض یا همان موسیقی بیرونی آن است. منظور از موسیقی بیرونی شعر، موسیقی حاصل از هر گونه نظم در یک واحد کامل (شعر) است و به طور خاص جانب عروض وزن شعر را موسیقی بیرونی می‌گویند. یکی از جنبه‌های موسیقایی که در اشعار پژمان بختیاری قابل بررسی است، موسیقی بیرونی از حیث تنوع وزنی و زحافات و نرمی و لطافت حاصل از آنهاست. وزن و موسیقی جزئی از شعر است و اصولاً شعر بی‌وزن و موسیقی شعر محسوب نمی‌شود. پژمان از اوزان مختلف شعری استفاده کرده است و آهنگهای کلام او معتدل است و بندرت از آهنگهای تند بهره جسته است. وی برای سرودن ۲۳۵ غزل خود از ۳۰ بحر عروضی استفاده کرده است که به ترتیب بسامد بدین قرار است: رمل (۳۸/۲۹)، هزج (۲۳/۴۰)، مضارع (۲۰/۸۵)، مجتث (۸/۹۳)، متقارب (۴/۲۵)، سریع (۱/۷۰)، رجز (۱/۷۰)، خفیف (۱/۲۷) به طور کلی به تعداد ابیات در شعر پایبند نیست به طوری که در دیوانش غزل ۴ یا ۵ بیتی دیده می‌شود.

ردیف	بحر	تعداد	ردیف	بحر	تعداد
۱	رمل مثنی محذوف	۴۵	۱۶	هزج مسدس محذوف	۳
۲	مضارع مثنی اخب مکفوف محذوف	۴۳	۱۷	رمل مسدس مخبون محذوف	۲
۳	هزج مثنی اخب مکفوف محذوف	۳۴	۱۸	منسرح مطوی مکشوف	۲
۴	رمل مثنی مخبون محذوف	۲۷	۱۹	رجز مثنی محذوف	۲
۵	مجتث مثنی محذوف	۱۶	۲۰	رمل مثنی مشکول	۱
۶	هزج مثنی سالم	۱۲	۲۱	رجز مثنی سالم	۱
۷	مقارب مثنی محذوف	۶	۲۲	رجز مثنی مطوی مخبون	۱
۸	رمل مسدس محذوف	۶	۲۳	سریع مسدس مطوی مکشوف	۱
۹	مضارع مثنی اخب	۵	۲۴	رمل مثنی مخبون محذوف	۱
۱۰	رمل مثنی سالم	۴	۲۵	هزج مسدس هزج مسدس اخب مکفوف محذوف	۱
۱۱	مجتث مثنی مخبون محذوف	۴	۲۶	سریع مثنی مطوی مکشوف	۱

۱۲	هزج مسدس محذوف	۴	۲۷	مجتث مثنی محذوف	۱
۱۳	مقارب مثنی سالم	۳	۲۸	هزج مثنی اخرب	۱
۱۴	رمل مثنی مخبون محذوف	۳	۲۹	رمل مثنی مخبون	۱
۱۵	خفیف مسدس مخبون محذوف	۳	۳۰	مقارب مسدس محذوف	۱
جمع					۲۳۵

تعداد کل هر بحر در غزلیات پژمان



نگاهی به آمار نشان می‌دهد که چهار بحر رمل، هزج، مضارع و مجتث دارای بسامد بالایی هستند. در این میان شاعر به بحر رمل علاقه زیادی نشان داده است. به طوری که میتوان پژمان را شاعری رمل سرا نامید. که تقریباً نصف غزلیات خود را در این بحر سروده است.

۲-۱- موسیقی کناری (ردیف و قافیه)

۲-۱-۱- ردیف: ردیف از ویژگیهای شعر سنتی است و آن واژه‌ای است که در پایان هر بیت تکرار میشود. این تکرار بر تأثیر موسیقی شعر میافزاید و در انسجام شعر موثر است از آن جهت که ردیف نوعی تکرار در طول غزل است، تداعی معانی را ممکن میسازد و موجب تأکید میشود. بررسی شعر بیشتر شاعران نشان میدهد که دلنشین‌ترین و موسیقایی‌ترین اشعار این شاعران، آنهایی است که دارای ردیف هستند. به عبارت دیگر هر جا که شاعر به موسیقی و ریتم کلام نظر داشته، توجه وی به ردیف و شعر مردف فزونی یافته است. ردیف در غزل پژمان تنوع لغات و واژه دارد. از قبیل: فعل و ادات پرسش: (نمی بینم چرا، ۴۹)، ضمیر مفعولی: (مرا، ۵۴)، فعل امر: (بیا، ۶۲)، ماضی نقلی: (پیدا کرده ام، ۶۳)، فعل مضارع:

(خواهم گرفت، ۹۶)، ماضی استمراری: (میزند، ۱۱۳)، فعل امر و نهی: (بیا مرو، ۱۶۵)، ماضی ساده: (گذشت، ۷۳)، گاهی ردیف جمله است: (دیده‌ام اما تو چیز دیگری، ۱۷۲) طبق بررسیهای به عمل آمده از کل غزلهای پژمان، ۱۹۹ غزل مردف هستند؛ به طوری که حدود ۸۴ درصد کل غزلهای را به خود اختصاص میدهند؛ از این تعداد ۱۶۴ مورد از این ردیفها فعل هستند که حدود ۶۹/۷۸ درصد از کل ردیفها را به خود اختصاص داده‌اند. تکرار ردیف در کل غزلیات نیز بسامد بالایی دارد به طوری که شاعر حدود ۵۰ مورد، فقط از دو فعل (است و نیست) استفاده کرده است این ویژگی در ردیفهای پژمان، در شعر فارسی سابقه‌ای طولانی دارد به طور کلی در اشعاری که دارای ردیف فعلی هستند یا در قافیه آنها از فعل استفاده شده، ساختار دستوری جملات کمتر دستخوش دگرگونی و تغییر میشود و این امر به سلامت زبان کمک میکند. اگر بعضی اشعار پژمان را به نثر در بیاوریم تفاوت چندانی بین شکل منثور و منظوم دیده نمیشود.

سینه پر آتش و دل پر خون است بنگر حال اسیران چون است

(دیوان اشعار: ۷۸)

۲-۲-۱- قافیه: ضروریترین عنصر موسیقی کناری شعر است که در ایجاد موسیقی شعر و تکمیل وزن و آهنگ آن بسیار موثر است. اگر چه برخی قافیه را عنصر طفیلی در موسیقی شعر شمرده‌اند؛ اما حقیقت امر این است که «قافیه نوعی زمینه سازی برای القای موسیقی شعر در ذهن آدمی است.» (پیوند موسیقی و شعر، ملاح: ۸۵) به تنظیم فکر و احساس شاعر کمک میکند و به شعر استحکام میبخشد مصراعها و بیتها را جدا میکند و با تداعی معانی در آفرینش مفاهیم نو و تازه به شاعر کمک میکند. پژمان مثله کردن بحرهای و حذف قوافی که موسیقی شعر زیبای فارسی بر آنها گذاشته شده است را خیانتی اغماض ناپذیر به ایران و ایرانی میدانست. (مقدمه دیوان اشعار، پژمان بختیاری: ۷۸) از مجموع ۲۳۵ غزل ۴۵ غزل یعنی ۱۹/۱۴ درصد با روی "نون" و ۴۳ مورد یعنی ۱۸/۲۹ درصد با روی "الف" سروده شده است که این قافیه‌ها بیشترین بسامد را در میان قافیه‌های غزل پژمان داراست. واکاوی واژه‌های قافیه نشان میدهد که پژمان چندان تمایلی به استفاده از قافیه‌های دشوار نداشته است. در جدول زیر انواع هجاهای قافیه در غزلیات شاعر نشان داده شده است.

انواع هجاهای قافیه در غزلیات

ردیف	نوع هجا	فراوانی	درصد
۱	صامت+ مصوت بلند+ صامت	۱۱۰	۴۶/۸۰
۲	صامت + مصوت کوتاه+ صامت	۶۳	۲۶/۸۰

۳	صامت + مصوت کوتاه	۱۹	۸٪/۰۸
۴	صامت + مصوت کوتاه + دو صامت	۳۵	۱۴٪/۸۹
۵	صامت + مصوت بلند + دو صامت	۸	۳٪/۴۰

جدول انواع هجاهای قافیه حاکی بر این است که هجای «صامت + مصوت بلند + صامت» بالاترین و «صامت + مصوت بلند + دو صامت» کمترین بسامد را در قافیه‌های شاعر دارد.

۳-۱- موسیقی درونی

۱-۳-۱- سجع

الف- سجع متوازی: اوج استفاده از سجع متوازی در غزل‌های شاعر صورت گرفته است. ۳۹۶ مورد (۴۵٪) از سجع متوازی استفاده شده است. از این قبیل است کلمات (عقل و زایل: ۹۴)، (بیمارم و تبادرم: ۹۳)، (تنگ و جنگ: ۹۱) چون نبردم سودی از سودای علوی مشریان در جهان خاکیان زین پس مکان خواهم گرفت (همان: ۹۶)

ب- سجع مُطَرَف: شعر پژمان مشحون از سجع مُطَرَف است. ۳۴۷ مورد (۲۷٪) بویژه در قافیه‌ها از این آرایه استفاده فراوان شده است و نسبت بسامد آن در غزلیات بیشتر از سایر قسمتهای دیگر است و شاعر با استفاده از این آرایه بر موسیقی و روانی و گیرایی شعر افزوده است. از این قبیل است کلمات (جو و جستجو: ۷۳)، (من و دامن: ۸۵)، (جوان و وان/ آه و سیاه: ۱۵۵)، (گشتنت و نوشتنت: ۹۶)، (عقل و دل: ۱۵۶)، (لب و آب: ۱۵۹)، (جان و قربان: ۹۳)

هزاران رنگ و نیرنگ از فلک دیدم و حیرانم که مقصد چیست گردون را از این بازی نمودنها (همان: ۵۶)

ج- سجع متوازن: سجع متوازن در شعر پژمان به وفور یافت میشود و این فراوانی در تمام قالبهای شعری وجود دارد اما کمترین استفاده را در غزلیات کرده است. که به نمونه‌هایی اشاره میگردد. (آن و آب: ۱۵۹)، (مذهب، حکمت و اینک: ۹۶)، (یارو جان: ۹۴)، (لب و جو: ۱۵۹)

ز دوران جوانیها چه با من مانده میدانی خیال عشق بازیها، خمار می پرستیها (همان: ۵۲)

۲-۳-۱- موازنه و ترصیع

در غزل‌های پژمان ۵۵ مورد ۲۲ درصد از موازنه استفاده شده است.

خار حسرت بوده آنچ از شاخ هستی چیده‌ام
رنگ محنت دا شت آنچ از روی دنیا دیده‌ام
(همان: ۱۵۴)

دامنم پاک ست اگر چیزی نیابم باک نه
گوهرم نیک‌ست اگر نامی ندارم، ننگ نیست
(همان: ۹۲)

۳-۳-۱- جناس

جناس تام

کس سنگ را به شیشه نکرد آشنا ولی
صاحب‌دل آن کسی است که جویای سنگ تُست
(همان: ۸۴)

جناس زاید

شکنجه‌یی عجب از دست زندگی دارد
سبک‌سری که دلش در شکنج موی تو نیست
(همان: ۹۲)

پژمان از جناس زاید بخوبی استفاده نموده است و با استفاده از کلماتی مانند: «کین و مسکین» «شکوه و کوه»، «آسیا و آسا» شعرش را دلنشین کرده است و موسیقی شعرش را استحکام بخشیده است. نمونه‌هایی دیگر: (جوان و وان/ آه و سیاه: ۱۵۵)

جناس مُذیل

من آن مایهٔ ناز را میشناسم، تو بودی
من آن شوخ طناز را میشناسم، تو بودی
(همان: ۱۷۰)

جناس مُطرف

بر موی او نظر کن و فندهای دلبری
در پیچ و تاب و لرزش هر تار مو بین
(همان: ۱۵۹)

جناس شبه اشتقاق

حُسنَت زیان نبیند گر ره نمائی ای دوست
بر آستان وصلت این کوته آستین را
(همان: ۵)

بسامد انواع جناس در غزلیات پژمان

ردیف	نام جناس	تعداد	درصد	ردیف	نام جناس	تعداد	درصد
۱	مذیل	۶۸	۳۵٪	۴	وسط	۲۱	۱۱٪
۲	مُطرف	۵۳	۲۷٪	۵	تام	۶	۳٪
۳	شبه اشتقاق	۳۴	۲۲٪	۶	قلب	۴	۲٪

نغمه حروف (همحرفی و همصدایی)

در شعر پژمان به گونه‌ای نیست که یک مثال یا نمونه‌ای بسیار مشهود را ذکر کنیم، بلکه از این آرایه به طور مناسب و متعادل در سراسر شعر شاعر برخورد میکنیم. که شاعر برای افزودن بر موسیقی شعر، به خوبی به کار برده است. پژمان در غزل و قصیده از واج آرای به خوبی بهره جسته است اما به ترتیب در مثنویها، قطعات و منظومه‌هایی که سروده است واج آرای کمرنگتر شده است.

چو دل بردی و دین بردی و دلداری و دینداری / حسابت با من بی‌دل که بی‌دینم چه خواهد شد
(همان: ۹۸)

صامت "ی" ۶ بار تکرار شده است که بر موسیقی کلام افزوده است.
اندیشه آزادی ما دیر شد ای دوست / اکنون دگر از دام تو رستن نتوانیم
(همان: ۱۵۳)

بسامد بالای صنعت تکرار بیانگر این نکته است که شاعر خواسته با آهنگین نمودن هرچه بیشتر کلام بر لطافت و گوش نوازی شعرش بیافزاید.
از مجموع ابیات غزل او ۵۲۸ مورد تکرار وجود دارد. که از این میزان همصدایی با ۲۲۱ مورد (۴۲٪) تصدیر ۱۸۷ مورد (۳۳٪)، همحرفی ۶۴ مورد (۱۳٪) تکریر ۶۰ مورد (۱۰٪) تکرار واژه ۱۵ مورد (۱٪) تکرار هجا ۱۵ مورد (۱٪) را در بر میگیرد.

تکرار کلمه

بوی گیسوی خوشت ساخته سر مست مرا / مست گیسوی توام من، مده از دست مرا
(دیوان اشعار: ۵۴)

تکرار هجا

گلپای خندان دیده‌ام خورشید تابان دیده‌ام / صد رهن جان دیده‌ام، اما تو چیز دیگری
(همان: ۱۷۲)

۲- سطح واژگانی

۲-۱- لغات عربی

پژمان از آن دسته لغات عربی در شعر خود استفاده کرده که در آن دوره رایج بوده‌اند و جزو نرم زبان به شمار میرفته. لغات عربی موجود کمتر از دو درصد است. (اغنیاء، عقبا، الکن، مضایقه، اسلاف، عدو، یوم الحساب، خصم، حاش الله، ارنی، مستحیل)
ما ذره ناچیز و خدا لایتناهی است / آن بام بلند آمد و این رشته رسا نیست
(همان: ۷۳)

۲-۲- لغات کهن

پژمان با توجه به مطالعاتی که در متون کهن ادب فارسی و آثار شاعران گذشته داشته

است. اشعارش بی‌تأثیر از لغات کهن نبوده است و گهگاه در شعرش تلاش دارد خود را به سبک و سیاق شاعران گذشته نزدیک کند. (اختران: ۱۵۸)، (کوس: ۱۶)، (توتیا: ۸۶)، (کژدم: ۸۰)، (چننه: ۹۰)، (ناوک: ۹۱)، (نکته: ۹۲)، (ناورد: ۶۳)، (دیهیم: ۲۷۳)
معنی تسلیم را، خود داری از تسلیم یافت
ورنه جذبه کهریا را کاه میداند که چیست
(همان: ۸۸)

۳-۲- ساده نویسی

شعر پژمان بسیار ساده و روان است و در آن تعقید و ابهام وجود ندارد تعدادی اندک و انگشت شمار لغت نامانوس در آن وجود دارد که یا مربوط به کاربرد لغات قدیمی است و یا اصطلاحاتی است از زبان عربی که چندان دور از ذهن بنظر نمیرسد، واژه‌ها بیشتر ملموس و ساده‌اند چرا که پژمان مخاطبین شعر خود را مردم عادی کوچه و بازار میداند. در غزلیاتش نیز زبان ساده را حفظ میکند، روانی و سلاست کلامش را چون جویباری زلال جاری میسازد. گاه زبان شعر آنقدر ساده میشود که به مرز گفتار میرسد.
جان فدای ره آن سرو سهی خواهم کرد
عنقریب است که من خرقه تهی خواهم کرد
(همان: ۱۰۴)

پژمان در مقدمه دیوان اشعار میگوید: «هرگز لغات مهجور را - مخصوصاً در غزل - به کار نمی‌برم. گو اینکه، استاد غزل نیز چنین کرده باشد؛ مانند وقْد، خفرگ، بلیلانه، راقی، لبق و ...» (مقدمه دیوان اشعار، پژمان بختیاری: ص ۷۸)

۴-۲- کاربرد اصطلاحات و تعابیر ادبی

پژمان مانند هر شاعری از اصطلاحات زبانی استفاده نموده است اصطلاحاتی که شاعران گذشته بکار گرفته‌اند شاید بتوان گفت او در این زمینه وامدار سعدی و حافظ است. همچنین باید اضافه نمود که شاعر در کاربرد اصطلاحات و تعابیر ادبی، خود را گرفتار مشقت و تکلف ننموده و از اصطلاحات روان و صمیمی در زبان و ادبیات استفاده نموده است. مانند: (طوطی شکر سخن: ۳۳)، (کوی صلح: ۵۳)، (شمع و پروانه: ۵۵)، (جام جم: ۵۷)، (حجاب: ۱۰۳)، (بادصبا: ۱۰۴)، (خرقه تهی کردن: ۱۰۴)، (گل و بلبل: ۱۰۵)، (مست و هوشیار: ۱۰۶)، (رقیب: ۱۳۰)

پای نازت گر به قهر از کلبه ما دور کرد
من به کوی صلح، با دست نیاز آرم تو را
(همان: ۵۳)

۳- سطح نحوی

سطح نحوی از جمله و ساختار آن بحث میکند. ساختار نحوی جمله‌ها در غزلیات پژمان منطبق بر قواعد دستور فارسی است و اگر در مواردی ارکان جمله به هم ریخته است به دلیل ضرورت وزن شعر و ویژگیهای خاص کلام ادبی بوده است و جابجایی ارکان

دستوری و نحوی جمله موجب پیچیدگی مفهوم آن نمیشود. شعر پژمان ساده و روان است چنانکه گویی شاعر در حال گفتگو با مخاطب است و این مشخصه در تمامی قالبهای شعری پژمان مشهود است. چنانکه مشخص است شعر به ساختار جمله در نثر بسیار نزدیک شده است و جملات کوتاه و در بسیاری از موارد در مصراع خلاصه میگردد. اگر چه ابیات مکمل همدیگرند اما ابیات موقوف المعانی به نسبت، بسیار کمترند. نکته قابل توجه اینکه در تمام قوالب شعری این شاعر خصیصه مذکور حضور دارد. به طوری که ارتباط شعر در محور عمودی قوی است.

بی مهری و قهر تو ز سیمای تو پیداست آثار لجاج از رخ زیبای تو پیداست
(همان: ۴۸)

ویژگی فکری

۱- ویژگی علمی و فرهنگی پژمان

از عناصر تشکیل دهنده زندگی پژمان، این بود که پژمان شاعر در خلوت نبود. گرچه شاید در خلوت شعر میسرود لیکن به عمق اندیشه دست پیدا کرد و شعر خلوتش هم ماندگار است و جایگاهی خاص پیدا کرده و برخی از شعرهایش حکم یک کشف تازه را دارد. پژمان و حیات او ضمن اینکه آینه زمان خود بود محتوای شعرش نیز بازتاب جامعه‌اش بود. این خصوصیت علمی وی آثار او را هم متعلق به گذشته و هم حال و آینده کرده است. از نکات بارز شخصیتی پژمان ماندگاری او در تارک تاریخ ساختار شعری است، زیرا سخنوری او سبب در آمیختگی زبان و کلام او در زندگی و حیات شعری اوست. و بین این دو آنقدر قرابت به وجود آورده که اشاره به آنها به شناخت دقیق و ظرفیت زبان و کلام نیاز دارد. ساختار ترکیب کلام در شعر پژمان و استفاده از زبان فاخر فارسی کنونی و ظرفیتهای گسترده آن، او را در ردیف شعرای ایران قرار داده است. از نکات مهم دیگر شخصیت علمی پژمان این است که از ظرفیت زبان، شناخت کامل دارد و بزرگان علمی، ادبی، تاریخی و فرهنگی مانند حافظ، سعدی، مولوی، فردوسی، خیام، جامی، نظامی و سایر قدما را به خوبی میشناسد و توانسته است تعبیر جدید و زیبا بسازد. خود او بارها درباره تعبیر جدید گفته است: «از اشعار بزرگان لذت میبردم و آن را نمایه تفاهر و سر بلندی این سرزمین میدانستم». (مقدمه دیوان اشعار، پژمان بختیاری: ۷۸)

۲- دوری از دربار

بر اساس سنتهای حاکم بر زندگی ادیبان و شعرا تقرب به برخی از پادشاهان و حاکمان مرسوم بوده این تقرب نه از سر خود باختگی ادب است، بلکه راه امرار معاش آنها بود و از این طریق مقرری و مستمری دریافت میکردند و شعر آنان متأثر از زمان، مکان و گاهی ستایش حاکمان و شاهان میگذشته، لیکن پژمان به خاطر تأثیرات محیطی و اقلیمی و شیوه‌های

زندگی و تعلق به طبقه خوانین و روحیات ایللی و جغرافیایی، در مدح هیچ پادشاه یا حاکم و وزیری سروده‌ای به شکل رایج نداشته است. از دیگر خصایص شخصیتی و زندگی او این بود که هیچ گاه متأثر از فرهنگ بسته ایللی نبود و بر خلاف ادیبان این مرز و بوم ارتباطات گسترده‌ای با شعرای بزرگ در سطح کشور داشت و با فرهنگهای وارداتی آشنا بود. خرده فرهنگهای داخل کشور را میشناخت. تحولات معاصر نظیر مشروطیت، حاکمیت پهلوی اول و دوم، پیامدهای صنعت نفت و اصلاحات اراضی، کاپیتولاسیون، توسعه صنعت مونتاژ و حاشیه‌نشینی شهرهای بزرگ همه باعث تعامل و رشد فکری و شخصیتی پژمان شدند. شاید تصور شود که عجز و ناله پژمان در برخی از اشعار او، ناشی از دنیا و عدم توفیق در زندگی دنیوی و متأثر از احساسات قلبی او باشد. ولی این چنین نیست زیرا او علیرغم داشتن جایگاه رفیع اجتماعی در زمان حیات خود میتوانست به خواسته‌های مادی و دنیوی دست یابد لیکن فطرت او که نشأت گرفته از ساختار شخصیتی بارز او بود، پژمان را از این برداشت مبرا میسازد. شکایت او از ناسازگاری دنیا و مسائل مادی نبود بلکه بحث او نابرابری زمانه بود. نکته دیگر ناراحتیهای جسمی بود که حدود ۸ سال با آن دست به گریبان بود و در این مدت سه بار عمل جراحی نموده است. اگر آثار او بررسی شود میبینیم که این وضعیت فقط مخصوص چند سال آخر حیات او بوده است.

منت شاهان نصیب من مباد
گر کشم منت ز ماهی میکشم
(همان: ۱۳۶)

۳- طبیعت گرایی

در اشعار پژمان بختیاری، هم توصیف ظاهری و بیرونی طبیعت دیده میشود و هم توصیف همدلانه با آن که این امر بیشتر جنبه فردی دارد. «شاعر باید حالات فردی و اجتماعی و انسانی را در میان سمبولها، تشبیهات و استعارات مبتنی بر جلوه‌های طبیعت ببیند.» (طلا در مس، براهنی: ۶۴۷) در تشبیه ساده زیر، شاعر دگرگونی احوال فردی خود را با استفاده از عناصر طبیعت به تصویر میکشد:

چون شاخ هلو بودم بارآور و زینتگر
چون خاربنی در دشت بی برگ و برم کردی
(دیوان اشعار: ۱۷۹)

۴- عشق گرایی

از دیگر درون مایه‌های شعر پژمان، پرداختن به عشق است. این شاعر بختیاری فردی عاشق پیشه است که بارها در غزلش از عشق دم میزند. شعرش ترجمان عشق آتشی است که پیوسته دمساز اوست. عشق برای وی زندگی ساز و امیدآفرین است و در ژرفنای وجودش نشاطی زوال ناپذیر ایجاد کرده است.

لحن غزل‌های او ملایم و محزون است و شکایت و گله خود را از معشوق با زبان آرام و نرم با مخاطب در میان می‌گذارد و از هجران ناامید نیست و امید به دولت وصل دارد البته گاه شاعر چنان از معشوق و اوضاع به ستوه می‌آید که زبان او تلخ و گزنده می‌شود. تو قبله‌گاه رقیبان شدی و من خجلم که از چه قبله دل سالها ز روی تو بود (همان: ۱۱۲)

در غزلیات پژمان غزل عارفانه و قلندریات وجود ندارد.

۵- مرگ اندیشی

یکی از مضامین شعری پژمان، بن مایه مرگ است. پژمان در توصیف حالات شخصی محتضر و وصف فضای مرگ آلود، مهارتی بی‌نظیر دارد و مرگ‌اندیشی در اشعار او بسیار است. اما نمونه از این موارد که شاعر آنها را در حالی سروده که خود با مرگ دست و پنجه نرم می‌کرده، «تاثیر گذارتر غزلی است که او دو روز پس از سومین عمل جراحی در بیمارستان آریا گفته است». (اصالت احساس در دیوان پژمان بختیاری، فیروزآبادی: ۳۳) گاه شاعر چنان از رنج و اندوه به ستوه می‌آید که تنها راه نجات خود را در ساحل مرگ جستجو می‌کند.

غرقم به بحر حیرت و راه نجات نیست دستم اگر به مرگ رسد ساحل من است (همان: ۱۲۳)

۶- تجددگرایی

پژمان در دوران قاجاریه در مدرسه خارجی سن لوئی واقع در تهران درس خوانده است. آن هنگام زمانی است که نسیم تجدد به مملکت ما وزیدن گرفته است و چه بسیار مطالبی که در موافقت و یا مخالفت با ادبیات مشروطه گفته شده است و این موضوع را شاعر مورد نظر ما نیز مدنظر دارد اما پرداختن به آن گویا از زمانی آغاز شده است که شاعر به سفرهای پیش آمده، یا ضرورت مأموریت شغلی در کشورهای اروپایی انجام داده است. شاعر با دیدن پیشرفتهای دنیای غرب عقب ماندگی جامعه جهانی مسلمین را مورد سوال قرار میدهد و بدبختی مسلمانان و خوشبختی غیر مسلمانان را هشدار داده و میگوید: از چه بدبخت است هر جا ناسامان مسلمی است از چه خوشبخت است هر جا، نامسلمان کافری است (همان: ۶۸)

در نگاه اول پژمان علل انحطاط و عقب افتادگی را در توجه بیش از حد و غرق شدن در علوم انسانی و غافل شدن از دیگر علوم و فنون میداند. دیگر اینکه از علم و دانایی خود در حوزه علوم انسانی خجل و شرم‌منده است و حتی خود را درخور نام آدمی نمیداند.

ما غرق خودپرستی و بیگانگی ولی توفیق این گروه ز ارفاق و همدمی است
عزم رحیل او سوی مریخ و مشتری فکر مُقیم ما پی وَطَواط و بلعمی است
گویم بهشت نعمت جاویدش از من است وین ادعا نتیجه نادانی و عَمی است
(دیوان اشعار: ۷۲)

ویژگیهای ادبی

۱- بیان

۱-۱- تشبیه

تشبیه هسته اصلی و مرکزی اغلب خیالهای شاعرانه و برجسته‌ترین صور خیال در غزلیات پژمان است. «تشبیه کارآمدترین و سیله نقاشی در کلام است». (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ۱۳۵) «صورت‌های گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا کشف میکند و در صور مختلف به بیان در می‌آورد.» (سفر در مه، پورنامداریان: ۲۱۴) ذهن ساده و روستایی وار پژمان او را از مضمون‌های پیچیده و باریک دور میکند و بیشتر تشبیهات طبیعی و انتقال عواطف از طریق توصیف متمایل است اما تشبیهات و توصیفات غیر تجربی که تنها بر پایه کلیشه‌های سنت ادبی و به کارگیری واژگان مستعمل پدید آمده است در غزل او کم نیست. (موسیقی و تخیل در شعر پژمان، مشرف: ۱۳۹)

تشبیه بلیغ در غزل پژمان بسامد بالایی دارد این امر میل شاعر را به سوی ایجاز سخن و استعاره سوق داده است. از مجموع ۲۳۵ غزل پژمان ۴۴۵ مورد تشبیه؛ یعنی ۲۸ درصد بکار رفته است. بیشتر تشبیهات حسی به حسی از نوع تشبیه مجمل هستند.

تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین

۱-۱-۱- تشبیه عقلی مشبه به حسی

خودنمایی‌های شادی بخش دارد، حُسن او

چون شرابی لعل گون، کاندلر بلورین ساغری ست

(دیوان اشعار: ۶۹)

۱-۱-۲- تشبیه عقلی، مشبه به عقلی

قدر ما را همچو قدر عشق ما نشناختی

لیک شوری کاین دل عشق آشنا را بود، هست

(همان: ۸۵)

۱-۱-۳- تشبیه حسی، مشبه به عقلی

دل و چشم و زبان و دامن او

پاک باشد چو طبع روشن او

(همان: ۲۸۲)

۴-۱-۱- مشبه حسی، مشبه به حسی

مرا از آن لب میگون شکفته کن، ورنه
چه مستی آورد آن می که در سیوی تو نیست
(همان: ۹۲)

تشبیه به اعتبار ذکر یا حذف وجه شبه

۱- تشبیه مفصل

آخر چه کرده ام من آزرده دل، بگو
وانگه مرا چو شمع بر آن آستان بسوز
(همان: ۳۸)

۲- تشبیه مجمل

در گلشن سخن گل فکرم چو دیده شد
بر شعر دیگران خط باطل کشیده ش
(همان: ۵۳۸)

تشبیه به اعتبار حذف یا ذکر ادات تشبیه

۱- تشبیه مُرسل

من همچو آن عقابم در دام ز ندگانی
مسکین و دست بسته کنج قفس نشسته
(همان: ۴۵۷)

۲- تشبیه مَوکَد

مأم طبیعت که تو را زاده است
طبع تملق طلبی داده است
(همان: ۲۳۷)

۳- تشبیه بلیغ

الف- به صورت اضافه تشبیهی

شد تیره در هوای تو شمع وجود ما
اشکی به دیده، تو نیاورد دود ما
(همان: ۵۹)

نمونه‌های دیگر: (رشته زلف: ۹۲)، (چمن زندگانی: ۱۵۳)، (خار حسرت: ۱۵۴)، (رخ بهشتی: ۱۸۲)، (باغ عارض: ۱۵۹)، (باغ رویا: ۱۵۶)، (گوهر اشک: ۱۵۵)، (شهد سعادت: ۱۵۳)، (بار گناه: ۱۵۲۳)

ب- به صورت غیر اضافه تشبیهی

زندانسراست خانه ما بی جمال تو
باز آی و خانه من بیخانمان {مسوز}^۱
(همان: ۳۴۹)

۱- در دیوان پژمان این کلمه به صورت «سوز» آمده که قطعاً غلط چاپی است و معنای بیت را مختل میکند.

۲- مجاز

۲-۱- ذکر جزء و اراده کل

چو رخشان چراغ بهی تار شد درفش کیانی نگون سار شد
(همان: ۲۷۳)

درفش مجازاً به معنای «لشکر و حکومت» است.

۲-۲- ذکر محل و اراده حال

بیمار تو شد سینۀ مجروح من، آخر از آن لب خوش بوسه، دوایی بده او را
(همان: ۵۳)

۲-۳- ذکر حال و اراده محل

باز رو سوی خواجه آوردیم می و مطرب به تربتش بردیم
(همان: ۲۹۸)

(می یعنی جام می)

۲-۴- علاقه لازمیت و ملزومیت

گو کز نفس باد شبانگاه بمیرد شمعی که شبی بر سر بیمار نسوزد
(منظور شعله شمع) (همان: ۱۰۲)

۲-۵- علاقه سببیت

تا عاشقی موافق خود جویی ای عزیز بدرد گو به دست خدا میسپارمت
(همان: ۹۵)

۲-۶- علاقه جنس

هر دو در خاکند و از پستی هنوز چشم اسکندر به دارا دوخته ست
(همان: ۸۱)

۳- استعاره

در میان انواع صور خیال استعاره را به جهت ایجاز و تخیل باید هنرمندانه‌ترین کشف شاعر به شمار آورد. همچنین استعاره را قویترین عنصر در ساختمان شعر غنایی دانسته‌اند زیرا زبان استعاره میتواند عواطف و احساسات قلبی شاعر را که زبان معمولی توان بیان آن را ندارد، با زبانی لطیف و نرم و به دور از منطق معمولی سخن بیان کند. (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۱۱۲)

پژمان با تخیل طبیعی و آزاد خود به ندرت و تقریباً میتوان گفت که هیچ به دنبال مضمون‌های باریک و استعاره‌های دور از ذهن نرفته است هر چند در بین معاصران او امیری فیروزکوهی و حتی تا اندازه‌ای و به شکل تعدیل یافته‌تری، رهی معیری، گاه

نمونه‌هایی از مضمون پردازی سبک هندی دیده می‌شود، پژمان اساساً گرایشی به این گونه تصاویر و استعاره‌ها نداشته است.

در شبستان دلم عشق «مهی» پیدا شد	نوری از روزن چشم سیاهی پیدا شد
رغبت به مهر، آن بت‌کج خو نمیکند	رغبت به مهر، آن بت‌کج خو نمیکند

(دیوان اشعار: ۱۰۸)

۱-۳- استعاره مصرحه

ترسم ای گل که نبینم دگرت دیر میا	ترسم ای گل که نبینم دگرت دیر میا
----------------------------------	----------------------------------

۲-۳- استعاره مصرحه مجرده

نی غلط گفتم که در خلوت‌گه صاحب‌دلان	روشنائی نیست شمعی را که خرمن سوز نیست
پیر منعم ز تهید ست جوان خوبتر ست	وان خزان خوشتر از این تازه بهار آیدشان

(همان: ۹۱)

(همان: ۱۵۵)

۳-۳- استعاره مصرحه مطلقه

رنگ پژمردگی از چهر درخشنده بشوی	ای گل تازه که گل تازه تر از روی تو نیست
بی تو عطر زندگی بیرون شد از کاشانه من	در کدامین گلشنی ای نازنین پروانه من

(همان: ۹۳)

(همان: ۱۵۶)

۴-۳- استعاره مکنیه: (بالکنایه)

دست و پا بستم از اول عقل خیر اندیش را
تا به دست دل سپا رم اختیار خویش را

(همان: ۵۰)

خراش ناخن مرگ ست چین بر روی و میبینی
کتاب عمر من نزدیک پایان ست و میدانی

(همان: ۱۸۱)

۵-۳- استعاره مرکب

اگر به کام تو تلخم عجب مدار ای دوست	که رفت دوره شیرینی و جوانی من
-------------------------------------	-------------------------------

(همان: ۱۵۷)

نیستم تشویشی از نیرنگ و رنگ خلق از آنک

ما سیه بختیم و بالای سیاهی رنگ نیست
(همان: ۹۲)

۶-۳- استعاره تبعیه

سخت بی ذوقم اگر ناز و عتابش نخرم

کان پری همره صد قافله ناز آمده است
(همان: ۸۲)

ای ماه گنه ساز بیا کاین دل معصوم

سالی است که کامی ز گناهی نگرفته ست
(همان: ۸۰)

۴- کنایه

۱-۴- کنایه از فعل

ما را به پیشیزی نخریدند و حق این بود

بیقدر متاعیم و درین چون و چرا نیست
(همان: ۹۰)

(کسی را به پیشیزی نخریدن: ارزش و اعتبار برای کسی قائل نشدن)
از این قبیل است: (سر بر تن بار گران بودن: ۱۵۲)، (جان کندن: ۱۵۸)

۲-۴- کنایه از صفت

چند گویی قصه از خونخواریش

آخر آن ناز آشنا چنگیز نیست
(همان: ۹۱)

(خونخوار: آدم‌کش، جلاد و بیرحم)

(سرد مهر: ۸۸)، (تلخکامی: ۱۵۷)

۳-۴- کنایه از موصوف

دیگرم شعر ملال انگیز نیست

شکوه از بیداد دلبر نیز نیست
(همان: ۹۱)

(دلبر: معشوق و محبوب)

(اهل دل: ۸۹)، (موجود فانی: ۱۵۸)

نمایه کاربرد بیان در غزلیات

ردیف	بیان	تعداد	درصد
۱	استعاره	۷۱۶	۴۵٪
۲	تشبیه	۴۴۵	۲۸٪
۳	کنایه	۳۱۰	۲۰٪
۴	مجاز	۱۱۳	۷٪
مجموع		۱۵۷۴	

پارادوکس

پارادوکس یا تناقض اجتماع دو امر متضاد است که قابل جمع شدن نیستند؛ مثلاً اگر دو واژه "پیر" و "جوان" در جمله‌ای یا بیتی وجود داشته باشد میگوییم این دو واژه با هم تضاد دارند؛ چون دو عنصر جداگانه هستند و هر کدام در جای خود قرار دارند، اما ترکیب "پیر جوان" تناقض دارد چون آن دو عنصر جداگانه در اینجا یکی شده‌اند و در عین حال یکدیگر را دفع میکنند، به عبارت دیگر قابل جمع شدن نیستند. مثال: پر از خالی، دریای شعله ور، سلطنت فقر، شولای عریانی، لباس برهنگی (بازشناسی ویژگیهای سبک هندی، خسروی: ص ۹۱)

در دل هوس بی‌هوسی پخته ام ای چرخ
بگذار که ما هم هوسی داشته باشیم
(دیوان اشعار: ۱۵۲)

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد میتوان نتیجه گرفت: اگر چه پژمان به راه و رسم رایج در دوره خود علاقه نشان نداد اما در چارچوب گذشته نیز محدود نماند بلکه خود را آزادتر از آن میدید که در محدودیت باقی بماند. بدین معنا که در عین رعایت اصالت شعر فارسی در اسلوب پیشین، نوآوریهای در صورت و معنای شعر خود ارائه نموده و نشان داده است که شاعر عصر خویش است. شیوایی و رسایی که از ویژگیهای شعر خوب است؛ در آثار او موج میزند و تعقید و ابهام در اشعار وی دیده نمیشود. او در تمام قالبهای شعری به راحتی شعر میسروده و از این جهت مانند بسیاری از شاعران کهن اقناع و ارضاء میشده است. از نظر زبانی، غزلهای پژمان ساده و روشن و به زبان محاوره نزدیک است. بیش از نیمی از ابیات غزلهای او از تکرار قافیه برخوردارند. شاعر بیشتر از ردیفهای بلند استفاده کرده و همین امر موجب شده تا معانی کمتری را بتواند در ابیات خود بگنجانند از لغات مهجور و کهنه فارسی جز معدودی استفاده نکرده است. از نظر فکری شعر شاعر درونگراست. بیشتر مضامین غزلهایش، عشق و غم اندوه ناشی از عشق و ناملایمات روزگار و فقر ظاهری و بی وفایی و جفاکار بودن معشوق است. در غزلهای شاعر هیچ گونه شعری در مدح حاکمان وقت وجود ندارد و این دلیلی بر عدم درباری بودن و عزت نفس شاعر است. از میان آرایه‌های بیانی به استعاره و تشبیه بیشتر متمایل بوده است. تشبیهات و استعارات به کار رفته در غزلیات او ساده و زودیاب است و پیچیدگی ندارد و این امر موجب شده تا غزلهایش تراکم تصویری نداشته باشد و استعاره به حالت چند بعدی و چند لایه‌ای در نیاید و آسان درک شود. از نظر بدیعی نیز شاعر بیشتر از آرایه‌های سجع، جناس، تصدیق و تضاد استفاده کرده است در هیچ یک از غزلیات پژمان تخلص شعری او نیامده است. و او بر خلاف سنت ادبی غزل که شاعران عنوان شعری یا تخلص خود را در ابیات پایانی غزل می‌آوردند. نیاورده است. از نظر

تعداد ابیات غزل، شاعر سنت شکنی کرده است و از نُرم مُعین شده (۱۲-۵) بیت تجاوز کرده و غزلیات سه و چهار بیتی هم دارد.

منابع و مأخذ

کتابها

- ۱- پیوند موسیقی و شعر، ملاح، حسینعلی، (۱۳۵۸)، چ اول، تهران، نشر فضا
- ۲- تاریخ بختیاری (خلاصه‌الاعصار فی تاریخ البختیار)، سپهر، عبدالحسین، (۱۳۲۷) به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، چ اول، نشر اساطیر
- ۳- تاریخ تذکره‌های فارسی، گلچین معانی، احمد، (۱۳۷۴)، جلد دوم، چ دوم: انتشارات کتابخانه سنایی
- ۴- جویبار لحظه‌ها، یاحقی، محمد جعفر، (۱۳۸۷)، چ ۱۰، تهران: جامی
- ۵- دیوان اشعار، پژمان بختیاری، حسین، (۱۳۸۲)، چ دوم، تهران: پارسا
- ۶- سخنوران در عصر حاضر، اسحاق، محمد، (۱۳۵۱)، جلد دوم: بیتا
- ۷- سفر در مه، پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۱)، چ اول، تهران، انتشارات آگاه
- ۸- سبک‌شناسی شعر. شمیس، سیروس، (۱۳۸۶)، چ سوم، تهران، نشر میترا
- ۹- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۶۶)، چ، تهران: آگاه
- ۱۰- طلا در مس، براهنی، رضا، (۱۳۷۱)، چ دوم، تهران، انتشارات نگاه
- ۱۱- کلیات سبک‌شناسی، شمیس، سیروس، (۱۳۸۶)، چ دوم، تهران: نشر میترا
- ۱۲- کویر اندیشه، پژمان بختیاری، حسین، (۱۳۴۸)، چ اول، قم: انتشارات ابن‌سینا
- ۱۳- گزیده دیوان اشعار، بهبهانی، سیمین، (۱۳۶۷)، تهران، نشر نیما
- ۱۴- دیوان عالم‌تاج (ژاله) قائم مقامی، کرمی، احمد، (۱۳۷۴)، با مقدمه پژمان بختیاری، چ اول، تهران: انتشارات ما
- ۱۵- فرهنگ شاعران زبان فارسی از آغاز تا امروز، حقیقت، عبدالرفیع، (۱۳۶۸)، تهران: نشر قومس
- ۱۶- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، (۱۳۸۰)، چ نوزدهم، تهران: نشر هما
- ۱۷- مشاهیر ادب معاصر ایران، میرانصاری، علی، (۱۳۷۸)، دفتر سوم، سازمان اسناد ملی ایران
- ۱۸- نظریه ادبیات، ولک و وارن، رنه و آستن (۱۳۷۳)، ترجمه ضیا موحد و پوران مهاجر، چ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۱۹- وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۸۰)، چ پنجم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی

مقالات و نشریات

- ۱- اصالت احساس در دیوان پژمان، فیروزآبادی، مریم السادات، پژوهشنامه ادب غنایی، سال سیزدهم، شماره بیست و چهار، صص ۲۵-۳۶
- ۲- بیان و بدیع در غزلیات پژمان، باقری پالنگان، (۱۳۹۰)، پایان نامه ارشد دانشگاه علامه طباطبائی
- ۳- بازشناسی ویژگیهای سبک هندی، خسروی، حسین، (۱۳۹۷)، پژوهشهای سبک ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۱، بهار ۹۷، صص ۷۵-۱۰۶
- ۴- پیوند تاریخ و ادبیات در کویر اندیشه پژمان، فتاحی، قاسم، (۱۳۹۴)، فصلنامه نقد کتاب، سال دوم، شماره، صص ۷۱-۸۴
- ۵- موسیقی و تخیل در شعر پژمان بختیاری، مریم، مشرف، (۱۳۸۴)، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴، صص ۱۳۶-۱۳۱